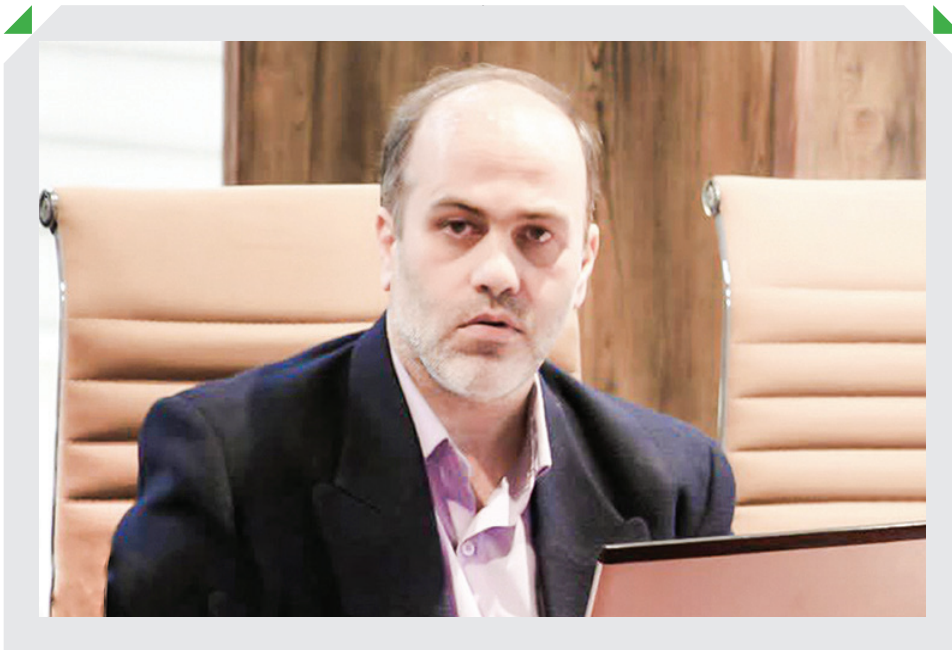


گفت‌وگو با مهدی عباس‌زاده، قائم‌مقام رئیس دبیرخانه و دبیر کمیته علمی جشنواره فارابی

جهت‌دهی به دانش؛ واقعیتی که نباید از آن غفلت کرد



یکی از کارویژه‌های جشنواره‌هایی از قبیل جشنواره فارابی را می‌توان جهت‌دهی به دانش در حل مسائل کشور و کمک به حوزه حکمرانی دانست. به نظر می‌رسد جشنواره فارابی تاکنون التفات چندانی به این موضوع نداشته است. در گفت‌وگو با مهدی عباس‌زاده، قائم‌مقام رئیس دبیرخانه و دبیر کمیته علمی جشنواره فارابی، ضمن بررسی داوری‌ها و فرآیندها و روند‌های سیزدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی، به بررسی جایگاه این جشنواره در نسبت با جامعه و رفع نیازهای امروز کشور پرداختیم. وی معتقد است اعتماد حداقلی فضای مدیریتی کشور به یافته‌های علوم انسانی و همچنین توانایی حداقلی یافته‌های علوم انسانی در حل مسائل مدیریتی کشور، باعث شده فضای مدیریتی در کشور ما از فضای علمی فاصله داشته باشد. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

|||

ابتدا در مورد روندها و فرآیندهای فعالیت‌های انجام‌شده در جشنواره امسال توضیح دهید و بفرمایید آیا امسال شاهد کاری منحصر به فرد بوده‌اید یا تحولی در روند اجرا یا داوری‌ها و... صورت گرفته است؟

در آغاز لازم می‌دانم از زحمات کلیه دست‌اندرکاران جشنواره فارابی، از مسئولان وزارت محترم علوم، تحقیقات و فناوری گرفته تا مدیران و اعضای گروه‌های علمی پانزده‌گانه بخش داخلی و اعضای شورای علمی بین‌الملل و نیز کارکنان زحمتکش و دغدغه‌مند دبیرخانه جشنواره، در همه ادوار قبلی تا دوره کنونی که سیزدهمین دوره است، کمال تقدیر و تشکر را داشته باشم. اگر جشنواره تاکنون توفیقاتی به دست آورده، موهون اقدامات اثربخش این عزیزان است.

البته در این دوره تغییری در آیین‌نامه و نیز در فرآیند داوری جشنواره‌ها نداریم و بر همان سبک و سیاق ادوار قبلی عمل کردیم، هرچند یک بسته پیشنهادی به منظور تکمیل آیین‌نامه و فرآیند داوری جشنواره تهیه کرده‌ایم که در فرصت مناسب، تقدیم ذی‌ربط خواهیم کرد.

در این دوره نیز سعی کردیم در فرآیند داوری آثار، مرآه‌آیین‌نامه مصوب را مراعات کنیم. اما علاوه بر آیین‌نامه، دقت‌های بیشتری هم داشتیم؛ از جمله اینکه در خصوص آثار غیر چاپی مثل پایان‌نامه‌ها یا طرح‌های پژوهشی، بعد از انجام چهار داوری، باز هم از یکی از اعضای گروه علمی مربوط (اکنون جشنواره ۱۵ گروه علمی دارد)، خواهش کردیم اثر را با دقت بخوانند تا مطمئن شویم اثر استانداردهای لازم دارد و به این نحو تر از جشنواره حفظ شود. خوشبختانه غالب داوری‌ها منصفانه و عالمانه بود. با اینکه مثلاً طبق آیین‌نامه، امتیاز داوری که با میانگین امتیازهای داوران دیگر، بیش از ۵۰ نمره اختلاف داشته باشد، باید کنار گذاشته شود، یعنی نمره آن در میانگین امتیازهای کل داوران، لحاظ نشود. ما هم این را رعایت کردیم، اما نظر این داور را در گروه‌های علمی جشنواره دقیقاً مطالعه کردیم، شاید همین داور به نکته‌ای توجه کرده باشد که داوران دیگر توجه کافی به آن نداشته‌اند و البته گاه به موارد جالبی هم برخورد کردیم.

همچنین در این دوره، سعی شد شاخص تولید نظریه و علم انسانی بومی و اسلامی، که امکان بیشتری برای حل مسائل جامعه ما دارد و نیز شاخص گره‌گشایی عملی از مشکلات کشور، به‌نحوی که در آثار وارد به جشنواره، ردیابی و شناسایی شود.

معیارهای داوری تاکنون بیشتر به شکل و روش تاکید داشته تا به محتوا و نیازمندی‌های جامعه، آیا این معیارهای داوری نیاز به بازنگری و بازبینی ندارد؟ در جشنواره امسال تحولی در نظام داوری‌ها داشته‌ایم؟

واقعاً این طور نیست. معیارهای داوری جشنواره فارابی، در دوره‌های گذشته و در این دوره، هم به استانداردهای شکلی و روشی توجه داشته و هم به شاخص‌های علمی و محتوایی. حتی طبق کاربرد ارزیابی همه‌جانبه آثار جشنواره، شاخص‌های علمی و محتوایی و توجه به نیازهای جامعه، امتیاز بیشتری نسبت به استانداردهای شکلی و روشی دارد.

البته ما در این دوره، شاخص‌های کاربرد مزیور را قدری تکمیل کردیم؛ مثلاً بینارشته‌ای بودن (چون امروز در دنیا، مرز دانش در علوم انسانی را

بینارشته‌ای‌ها تعیین می‌کنند)، نقد دیدگاه‌ها و مکاتب فکری (چون نوآوری عمدتاً از دل نقد، بیرون می‌آید)، توجه به مسأله‌ها و ضرورت‌های بومی (اسلامی-ایرانی)، گره‌گشایی عملی و حل نیازهای کشور (که حلقه مفقوده پژوهش‌های علوم انسانی در کشور ماست) و... را بیشتر برجسته کردیم. بنابراین در این دوره، تحولی در نظام داوری‌ها نداشتیم، اما تکمیل‌هایی به نسبت دوره‌های قبلی انجام دادیم که عرض کردم.

فلسفه جشنواره فارابی و به‌ویژه‌ترین نقش جشنواره‌های علوم انسانی چیست؟ آیا مراد شکل‌گیری شبکه‌های نخبگانی و تقویت مبانی علوم انسانی است یا تقدیر صرف؟

جشنواره فارابی دارای اهداف بسیار مهمی است که در آیین‌نامه منعکس شده است: طبعاً هدف اصلی از جشنواره‌های علوم انسانی این است که استعداد‌های برتر داخلی و خارجی، آثار و نظریه‌های برتر، روش‌ها و طرح‌های جدید در پژوهش، در هر رشته‌ای از علوم انسانی و اسلامی شناسایی شوند؛ سپس نسبت به تشویق موارد برتر اقدام شود، به این امید که در آینده، علوم انسانی بومی قدری ارتقا، توسعه و تعمیق یابد؛ همچنین استعداد‌های جوان که آینده علمی کشور ما را رقم خواهند زد، تشویق شوند تا در این حوزه‌ها وارد شوند و جرأت و شهامت علمی لازم برای فعالیت‌های علمی نوآورانه را پیدا کنند؛ نیز اینکه علوم انسانی در فرآیند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کشور دخالت داده شود؛ همین‌طور علوم انسانی ما قدری کاربردی‌تر شود و توان حل مسائل جامعه ما را پیدا کند؛ این که جامعه ایران و جهان اسلام و حتی کل دنیا با یافته‌های محققان ما در عرصه علوم انسانی و اسلامی آشنا شوند و...

با توجه به اهدافی که عرض کردم، واقعا مراد از جشنواره فارابی تقدیر صرف نیست. شکل‌گیری شبکه‌های نخبگانی و تقویت نقش مبنایر داری علوم انسانی برای سایر دانش‌ها نیز از غایبات اصلی جشنواره است. مادر این دوره، طرحی به منظور اعتلای جشنواره فارابی پیشنهاد کرده‌ایم که در دست‌بررسی است. در این طرح، به‌خصوص بر شکل‌گیری شبکه‌های نخبگانی از میان محققان علوم انسانی داخل و خارج کشور که در همه ادوار جشنواره برگزیده شده‌اند، تاکید شده است. در حقیقت لازم است جشنواره فارابی محققان برگزیده داخلی و خارجی خود را در قالب یک شبکه‌های نخبگانی منسجم حفظ کند و در امور علمی و پژوهشی کشور از آنان راهنمایی بخواهد.

علوم انسانی چه نیازی به جشنواره دارد و جشنواره چه کمکی می‌تواند به حال علوم انسانی کند؟

واقعیت این است که در کل دنیا، جشنواره‌ها نقش جدی در جهت‌دهی

دانش، هنر، صنعت، فناوری و... دارند. این به‌نظم کاملاً طبیعی است. این که گاه گفته می‌شود دانش را نمی‌توان یا نباید جهت‌دهی کرد، به‌نظم قدری سطحی‌نگری یا میل به غفلت از واقعیت است. همین که در یک جشنواره، محققان یا هنرمندانی به‌عنوان برگزیده معرفی می‌شوند، دست‌کم این است که آثارشان در منظر اهل علم و هنر قرار می‌گیرد و آنان به نوعی تبدیل به الگو برای دیگر استادان، دانشجویان و هنرمندان می‌شوند و همین الگوسازی است که می‌تواند در حرکت‌های آتی دانش و هنر تاثیر بگذارد. علوم انسانی هم از این قاعده مستثنی نیست. به‌باور بنده، این قبیل جشنواره‌ها اگر منصفانه، عالمانه و دقیق عمل کنند، می‌توانند به حرکت‌های آینده علوم انسانی (چه در عرصه آموزش و چه در عرصه پژوهش و حتی در عرصه‌های گفت‌وگو سازی و کاربردی سازی این علوم) جهت‌دهند.

چه انتظاری از جشنواره فارابی دارید؟ جشنواره فارابی چه دستاوردی برای علوم انسانی و جامعه دارد؟ نسبت جشنواره فارابی با علوم انسانی بایسته و علوم انسانی موجود چیست؟

انتظار ما از جشنواره فارابی این است که بتواند به جایگاه شایسته خود در داخل و خارج کشور دست پیدا کند، بدین معنا که اهدافی را که در آیین‌نامه برای آن در نظر گرفته شده، به‌طور کامل تحقق بخشد. طبعاً نیل به این مهم نیازمند حمایت دانشگاه و جامعه علمی کشور و نیز وزارت محترم علوم، تحقیقات و فناوری است. متأسفانه برخی محققان طراز اول کشور ما تمایلی به ارسال آثارشان به جشنواره‌ها ندارند و لذا این عده دست‌کم در برخی ادوار جشنواره عملاً غایب بوده‌اند. دبیرخانه جشنواره قصد دارد در دوره آتی، فعال‌تر عمل کند و صرفاً منتظر ثبت آثار در سایت جشنواره توسط محققان نماند، بلکه خود نیز به‌گونه‌ای فعال به شناسایی آثار علوم انسانی و اسلامی مطرح کشور بپردازد. اکنون این رویکرد فعال صرفاً در بخش بین‌الملل جشنواره جریان دارد، یعنی دبیرخانه به جست‌وجوی محققان طراز اول دنیا و خاصه جهان اسلام در عرصه ایران‌شناسی، اسلام‌شناسی و علم دینی می‌پردازد و صرفاً منتظر ثبت نام این محققان در سایت جشنواره نمی‌ماند.

به نظر بنده، دستاورد اصلی جشنواره فارابی برای علوم انسانی و جامعه، شناساندن محققان و تحقیقات برتر علوم انسانی و اسلامی است و این آنگاه به کمال خود نزدیک می‌شود که جامعه ما بتواند از تجارب انباشته این محققان و تحقیقات، به‌بهرترین نحو، در بخش‌های مختلف بهره‌گیری کند. بنده معتقدم در کشور ما فاصله علوم انسانی موجود و علوم انسانی بایسته، به قدری است که به‌صرف برگزاری یک جشنواره نمی‌توان انتظار داشت که این فاصله درنور دیده شود. البته حرکت‌های بسیار خوبی و در حوزه علمیه